

بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه

مهدی سبحانی نژاد *

اکبر رهنما **

احمد علی بهرام ***

دریافت مقاله: ۹۲/۳/۲۸

پذیرش نهایی: ۹۲/۸/۱۲

چکیده

در این پژوهش محورهای تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام، به همراه عوامل و زمینه‌های مصداقی آنها با تأکید بر نهج البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روش پژوهش تحلیل محتوا و طی آن تمام خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های متناسب به امام علی علیه السلام در نهج البلاغه بود که همه آنها مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار پژوهش، فهرست واریسی بود که روایی آن به وسیله صاحب‌نظران و پایایی آن نیز با محاسبه ضریب همبستگی تأیید شد. داده‌های حاصل از تحلیل اولیه با تحلیل مجرای دیگر برابر با ۰/۸۴ بوده و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که در تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام عوامل مطرح در قالب چهار محور تحکیم ایمان و عقیده، ترویج اخلاقیات در جامعه، عدالت و حقوق شهروندی است. **کلید واژه‌ها:** تربیت دینی در نهج البلاغه، تعلیم و تربیت اسلامی و نهج البلاغه، اداره جامعه اسلامی بر اساس نهج البلاغه.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

msnd47@gmail.com

* دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

rahnama_akbar@yahoo.com

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

*** نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه شاهد

bahramf47@gmail.com

مقدمه

زندگی در جامعه امروز نیازمند کسب سلسله ای از دانشها، مهارتها و نگرشها در زمینه های مختلف و به طور کلی تربیت است. تربیت تأثیری است که بزرگسال، یعنی فردی که از کمال نسبی برخوردار است بر خردسال، که معمولاً با کمال فاصله بیشتری دارد، می گذارد تا وی را در رسیدن به مدارج عالیتربیت کمال، یاری رساند.

از نظر لغوی، تربیت به معنی بیرون کشیدن چیزی، گسترش دادن و برقراری رابطه است که نشاندهنده وابستگی های اساسی بین اشیا و یا رویدادهاست. از تربیت توصیفهای مختلفی به عمل آمده است. برخی از مهمترین تعاریفی که برای تربیت عرضه شده است نشان می دهد که تربیت، علمی اجتماعی است که اشخاص را زیر تأثیر و نفوذ محیط می گزیند و مضبوط (بویژه مدرسه)، قرار می دهد تا شایستگی اجتماعی کسب کنند و به هدفهای رشد و تکامل فردی برسند (شعاری نژاد، ۱۳۶۴).

با بهره گیری از تربیت مدنی است که افراد مشارکت در کارهای اجتماعی و پایبندی به حقوق شهروندی را می آموزند. تمامی آرمانهای مدنی، دفاع از زندگی اجتماعی و مصلحت عام است. هدف تربیت مدنی آماده کردن شهروندان برای زندگی در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطح منطقه ای، ملی و بین المللی است.

با وجود اهمیت مسلم و آشکار تربیت مدنی بر پایه آموزه های اسلامی و اثبات وجود طرح منظم امام علی علیه السلام برای تربیت و ابعاد مختلف آن تا کنون پژوهشی جامع در خصوص تربیت مدنی با عنایت به نهج البلاغه مورد بررسی واقع نشده است.

برای تعریف تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام باید به وظایف، آرمانها، اهداف، خط مشی و شیوه حکومت و سیاست ایشان توجه شود. با عنایت به این عوامل و با یادآوری تعریفی که از تربیت عرضه شد و با در نظر گرفتن اینکه تربیت مدنی یکی از کارکردهای تربیت است، می توان تربیت مدنی را از دیدگاه امام علی علیه السلام به این صورت تعریف کرد:

تربیت مدنی جزئی از تربیت دینی است که هدف آن تربیت شهروندانی آگاه، متعهد به ارزشهای اسلامی و پرورش مسئولیت و مشارکت در آنها، ایجاد مهارتهای مدنی و اجتماعی در آنان برای دستیابی به رشد و تعالی الهی و تقویت کارکردهای مطلوب و هدایت حکومت و

جلوگیری از انحراف احتمالی آنها است (علین، ۱۳۸۵).

از آنجا که عمده ترین هدف تربیتی در اسلام پرورش «عبد صالح» است، مسلم است که اهداف کارکردهای گوناگون این تربیت از جمله تربیت مدنی نیز نمی تواند چیزی جدا از اهداف کلی تربیت اسلامی باشد و لاجرم باید در جهت و راستای همان هدف اصلی تربیت اسلامی باشد؛ به عبارت دیگر تمام هدفهایی که برای تربیت مدنی اسلامی در نظر گرفته می شود، باید در جهت تعالی و قرب الهی انسان باشد و در غیر این صورت در تربیت اسلامی فاقد وجاهت است.

حکومت امام علی علیه السلام، اسلامی و نشأت گرفته از منبع وحی است. با توجه به اهداف این حکومت - که مهمترین آن احیای دین خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است - بدیهی است کارگزاران و مردمی که در چنین سامانه‌ای قرار می گیرند، باید به آداب تربیت اسلامی مؤدب باشند؛ لذا برای تدوین هدفهای تربیت مدنی، مبتنا باید هدفهای تربیت اسلامی باشد.

برهمن اساس با مراجعه به سیره، احادیث، خطبه ها و نامه هایی که به امام علی علیه السلام منتسب است، می توان هدفهای تربیت مدنی اسلامی را از دیدگاه آن امام بیان کرد. این اهداف تأکیدی است که امام علی علیه السلام ضمن احادیث، خطبه ها یا نامه ها و هم چنین سیره عملی آنها را بیان، و یا در تربیت عملی از آن استفاده کرده اند.

ذکاوتی در مقاله‌ای تحت عنوان نقش تعلیم و تربیت جدید در تحقیق جامعه مدنی، که در فصلنامه فرهنگی اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی به چاپ رسیده با تشریح دو دیدگاهی که نسبت به مفهوم جامعه مدنی هست به این نکته اشاره می کند که در جامعه ما موضوع شکل گیری جامعه مدنی در وضع اولیه و ناپختگی به سر می برد و برای گذر از این مرحله باید زمینه فرهنگی و غیر فرهنگی را شناخت و راهکارها و راهبردهای مؤثری پیش بینی کرد (ذکاوتی، ۱۳۷۸).

سجادی در مقاله ای با عنوان «نقش نظام آموزشی در بهبود روند توسعه سیاسی (تحقق آزادی)»، که در همایش آزادی و تحقق آن در دانشگاه تربیت مدرس عرضه شده به اهمیت نقش تعلیم و تربیت در بروز تحولات اجتماعی و سیاسی از قدیم الایام تاکنون پرداخته است و بروز هرگونه تحول سیاسی و اجتماعی را در جامعه مستلزم فراهم آوردن مقدماتی می داند (سجادی، ۱۳۷۸).

باقری در مقاله ای با عنوان «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران»، که در مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است، طی بحثی درباره تربیت مدنی به عنوان یکی از

فروع بحث جامعه مدنی آن را همچون مفهوم جامعه مدنی، مفهومی چالش برانگیز می داند و برای پاسخ به این چالش به تحلیل هر دو مفهوم می پردازد. وی معتقد است جوهره اساسی مفهوم جامعه مدنی را باید در برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت جستجو کرد (باقری، ۱۳۷۹).

مهر محمدی (۱۳۷۷) نیز در مقاله «آموزش و پرورش در جامعه مدنی»، که در مجله پژوهش‌های تربیتی به چاپ رسیده است به این موضوع اشاره می کند که تربیت مدنی از دیدگاه اسلام با وجود پیشینه درازمدت آن، تاکنون به طور مدوّن و مکتوب به صورت وسیع مورد توجه قرار نگرفته است. حتی در دو دهه اخیر، که مباحث تربیتی رواج و رونق بیشتری یافته، این مبحث در رده های آخر بررسی قرار گرفته است.

مرزوقی در رساله دکتری خود به عنوان «تربیت سیاسی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، که با راهنمایی خسرو باقری انجام شده به بررسی این موضوع براساس نظریه های تربیت سیاسی در قالب نظریه های محافظه کار، انتقادی، دموکراتیک و پست مدرن پرداخته است (مرزوقی، ۱۳۷۹).

(آلن راندی^۱، ۲۰۰۰) نیز در مقاله هایی ذیل عنوان «تعلیم و تربیت مدنی در فرایند تصمیم گیری»، که در مجله مطالعات اجتماعی واشنگتن به چاپ رسیده است، ابتدا از دیدگاه جامعه شناختی به تحلیل الگوی تصمیم گیری سنتی می پردازد و در ادامه، ضمن برشمردن معایب این گونه تصمیم گیری به مقوله تصمیم گیری به عنوان فرایندی خلاق اشاره می کند و نقش تعلیم و تربیت مدنی را در شکل گیری شهروندانی مورد بررسی دقیق قرار داده است که از این شیوه برای تصمیم گیریهای زندگیشان استفاده می کنند.

به نظر می رسد به این دلیل که از صدر اسلام تاکنون تنها حکومت پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و امام علی علیه السلام واجد تمامی شرایط به کمال رساندن جامعه اسلامی بوده اند، باید مبانی نظری لازم را برای تربیت مدنی آحاد جامعه در آموزه های مدنی این بزرگواران درباره مردم و کارگزاران جستجو کرد؛ هم چنین از آنجا که حکومت امام علی علیه السلام از نظر وسعت و داشتن کارگزاران متعدد بیشتر شبیه حکومت های فعلی در جهان معاصر است، نظام اسلامی می تواند و باید با الگو گرفتن از حکومت علوی زمینه و شرایط لازم را برای تربیت شهروندان خود فراهم کند. با در نظر داشتن اینکه تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام با آنچه در نظریه های

1 - Allen Rondy

مدنی در دیگر مکاتب مطرح است، تفاوت دارد.

برای درک و تبیین تربیت مدنی اسلام آن هم از دیدگاه امام علی علیه السلام نمی توان بهره چندانی از نظریه های تربیت مدنی اندیشمندان غربی برد؛ لذا به منظور تبیین تربیت مدنی از دیدگاه آن حضرت سؤالهای پژوهشی ذیل تدوین شده و مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- محورهای تربیت مدنی در نهج البلاغه کدام است؟
- ۲- عوامل هریک از محورهای تربیت مدنی در نهج البلاغه چه مواردی است؟
- ۳- مصداقهای هریک از عوامل تربیت مدنی در نهج البلاغه کدام است؟

روش تحقیق

جامعه آماری پژوهش شامل متن کامل نهج البلاغه، ترجمه مرحوم محمد دشتی، چاپ انتشارات مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین قم به سال ۱۳۸۳ است. از فرم واری دو مرحله ای باز و بدون پیش سازمان یافتگی برای تحلیل محتوای نهج البلاغه استفاده شده است؛ بدین منظور ابتدا به تعریف دقیق مفاهیم مورد استفاده در مطالعه اقدام شده است. این امر از طریق مطالعه آثار موجود انجام شده است که به بعضی از آنها در پیشینه اشاره شد؛ سپس کل خطبه ها، نامه ها و حکمت های منتسب به امام علی علیه السلام تحلیل شد و مواردی که دارای مضامین تربیت مدنی بود، شناسایی، و طی چهار موقعیت از جمله: نشانی خطبه (نامه و یا حکمت)، متن عربی، متن فارسی و زمینه مصداقی در فرم های تحلیل محتوی منظور شده است. در راستای تحلیل داده های پژوهش در خصوص سه سوال یاد شده، به تفکیک هشت محور تربیت مدنی، عوامل هر محور و مصداق های آنها در جدول های مربوط، ذکر، و به شیوه کیفی، نتایج تحلیل شده است.

یافته های پژوهش

بنابر نتایج تحلیلها در خصوص محورهای تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه و طبقه بندی آنها، طی جدول های شماره یک تا چهار، چهار محور تربیت مدنی از آن حضرت بنا بر مفاد نهج البلاغه تبیین شد که شامل تحکیم ایمان و عقیده، ترویج اخلاقیات در جامعه، عدالت و حقوق شهروندی است؛ در اینجا پس از ذکر مختصر هریک از محورها، عوامل

هر محور و سپس زمینه‌های مصداقی هر یک از آنها بیان می‌شود.

۱ - تحکیم ایمان و عقیده

بندگی و عبودیت خداوند متعال صفتی است که امام علی علیه السلام آن را اولین برجستگی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند و در معرفی ایشان می‌گوید: «شهادت می‌دهم که محمد صلی الله و علیه و آله بنده خدا و فرستاده اوست...» (خطبه ۲، ص ۲۷، پ ۴). امام علی علیه السلام بندگی خداوند را پیمانی میان مردم و خدا ذکر می‌کند و در این باره می‌فرماید: «در عصر جاهلیت بیشتر مردم، پیمان خدا را نادیده انگاشتند و حق پروردگار را نشناختند و برابر او به خدایان دروغین روی آوردند و شیطان مردم را از معرفت خدا بازداشت و از پرستش او جدا کرد» (خطبه ۱، ص ۲۵، پ ۲). سفارشهای مؤکد امام علیه السلام در باب بندگی خداوند متعال، که در تمامی سلوک ایشان مشهود است، نشان می‌دهد که محور اصلی تربیت مردم از دیدگاه امام علی علیه السلام اعتقاد به خداوند متعال و دینداری است.

در این محور از تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام یازده عامل به همراه مصداق آنها ذکر شده است. این عوامل در اینجا تشریح و مصداق عینی آنها در نهج البلاغه نیز در جدولهایی که در بحث آمده ذکر شده است:

۱ - ۱ - ایجاد باور توحیدی: باور توحیدی به این معنا که تمام رفتار و کردار انسان در همه احوال متوجه خدا و اطاعت و بندگی خداوند متعال باشد؛ بدین ترتیب نگاه کردن، سخن گفتن، سکوت کردن، گوش کردن، راه رفتن، نشستن، غذا خوردن و به طور کلی همه رفتار انسان برای خدا به منظور بندگی ذات قدسی الهی باید انجام گیرد. امام علی علیه السلام بهترین بنده خدا را کسی می‌داند که همواره به یاد خداست و در معرفی چنین انسانی می‌فرماید:

«ای بندگان خدا، همانا بهترین و محبوبترین بنده نزد خدا بنده‌ای است که خدا او را در پیکار با نفس یاری داده است. آن کس که جامه زیرین او اندوه، و لباس رویین او ترس از خداست؛ چراغ هدایت در قلبش روشن شده و وسایل لازم برای روزی او فراهم آمده و دوریها و دشواریها را بر خود نزدیک و آسان ساخته است؛ حقایق دنیا را با چشم دل نگرسته؛ همواره به یاد خدا بوده و اعمال نیکو، فراوان انجام داده است» (خطبه ۸۷، ص ۱۰۳، پ ۶).

۱ - ۲ - اعتقاد به رستاخیز: اعتقاد به آخرت به دنیایی به غیر از این دنیا از یک سو، هدفداری آفرینش را اثبات، و از پوچ انگاری زندگی جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر دانستن اینکه

حساب و کتاب و پاداش و عقابی در آینده در کار است از اجرای هر رفتاری توسط انسان جلوگیری می کند. امام علی علیه السلام درباره عالم آخرت و رستاخیز هشدار می دهند و می فرمایند: «آن زمان که پرونده این جهان بسته شود و خواست الهی فرا رسد و آخر آفریدگان به آغاز آن پیوندند و فرمان خدا در آفرینش دوباره در رسد، آن گاه آسمان را به حرکت آورد و از هم بشکافد و زمین را به شدت بلرزاند و سخت تکان دهد؛ کوهها از جا کنده شده و در برابر هیبت و جلال پروردگاری بر یکدیگر کوبیده و متلاشی شده و با خاک یکسان گردد؛ سپس هر کس را که در زمین به خاک سپرده شده در آورد و پس از فرسودگی تازه شان گرداند؛ پس از پراکنده شدن، همه را گرد آورد؛ آن گاه برای حسابرسی و روشن شدن اعمال از هم جدا سازد؛ آنها را به دو دسته تقسیم فرماید: به گروهی نعمتها بدهد و از گروه دیگر انتقام گیرد؛ اما فرمانبرداران را در جوار رحمت خود جای و در بهشت جاویدان قرار دهد؛ خانه ای که مسکن گزیدگان آنان هرگز کوچ نکنند و حالات زندگی آنان تغییر نپذیرد؛ در آنجا دچار ترس و وحشت نشوند و بیماری در آنها نفوذ نکند. اما گناهکاران را در بدترین منزلگاه در آورد، دست و پای آنها را با غل و زنجیر به گردنشان در آویزد؛ چنانکه سرهاشان به پاها نزدیک گردد؛ جامه های آتشین بر بدنشان پوشانند و ...» (خطبه ۱۰۹، ص ۱۴۷، پ ۲).

امام علی علیه السلام با ذکر اوصاف قیامت و آخرت از مردم می خواهند که فریب دنیا را نخورند و در فکر آخرت باشند: «شما را از دنیا می ترسانم؛ زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن؛ نه منزلی برای همیشه ماندن» (خطبه ۱۱۳، ص ۱۵۳، پ ۲).

۱ - ۳ - جایگزینی ارزشهای الهی به جای ارزشهای غیر الهی: امام علی علیه السلام در همین زمینه در بدرقه ابودر هنگام تبعید، این صحابی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله به ربنده فرموده اند: «ای اباذر، همانا تو برای خدا به خشم آمدی؛ پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی. این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند و تو بر دین خویش از آنان ترسیدی؛ پس دنیا را که به خاطر آن از تو ترسیدند به خودشان واگذار و با دین خود که برای آن ترسیدی از این مردم بگریز. این دنیاپرستان چه محتاجند به آنچه تو آنان را از آن ترساندی و چه بی نیازی از آنچه آنان تو را منع کردند و بزودی خواهی یافت که چه کسی فردا سود می برد و چه کسی بر او بیشتر حسد می ورزد؟ اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده ای ببندد و او از خدا بترسد، خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود. آرامش خود را تنها در حق جستجو کن و جز باطل

چیزی تو را به وحشت نیندازد» (خطبه ۱۳۰، ص ۱۷۵، پ ۳).

۱ - ۴ - اقدام به عمل برای خدا: رفتار برای خدا، آن را آسان می کند؛ هر چند عمل سخت باشد. حضرت در این خصوص به عثمان بن حنیف فرماندار بصره می فرماید: خوشا به حال آن کس که مسئولیتهای واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده و در راه خدا هر گونه سختی و تلخی را به جان خریده و به شب زنده داری پرداخته است و اگر خواب بر او چیره شده بر روی زمین خوابیده و... (نامه ۴۵، ص ۳۹۷، پ ۴).

امام علی علیه السلام در جای دیگر در خصوص آسان شدن کارها در صورتی که برای خدا باشد، می فرماید: «هر کس که برای خدا خشم کرد، باطل را هر چند سخت بود از پای در آورد» (حکمت ۱۷۴، ص ۴۷۵). در همین خصوص امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندشان امام حسن علیه السلام می فرماید: «در راه خدا آن گونه که شایسته است تلاش کن و هرگز سرزنش سرزنشگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد» (نامه ۳۱، ص ۳۷۱، ف، پ ۵).

۱ - ۵ - توکل بر خدا: توکل به خدا یعنی واگذاری کارها به خداوند متعال؛ یعنی اینکه امید انسان در هر کاری تنها به جانب خداوند متعال باشد و وکالت خدا را در هر کاری به همراه داشته باشد. نکته ای که در توکل باید مورد توجه باشد این است که توکل به خدا نباید باعث شود که آدمی از تلاش و کوشش دست بردارد، بلکه باید انسان هر آنچه را در توان دارد برای محقق ساختن امر مورد رضایت خدا انجام دهد با این باور که او وظیفه را به انجام رسانیده و نتیجه با خداست. توکل از جمله اصولی است که در تربیت اسلامی در تمامی جنبه ها کاربرد دارد و باعث بی اعتنایی انسان به غیر خدا می شود.

امام علی علیه السلام بسیار روشن و صریح در این باره می فرماید: «هر کس به او توکل کند، خداوند او را کفایت می کند» (خطبه ۹۰، ص ۱۰۹، پ ۳). امام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام در این باره می فرماید: «در تمام کارها خود را به خدا واگذار که به پناهگاه مطمئن و نیرومندی رسیده ای (نامه ۳۱، پیشین).

۱ - ۶ - رضایتمندی به رضایت خدا: با رضایتمندی از رضای خدا، دل آدمی تسکین می یابد و انسان به آرامش می رسد. امام علی علیه السلام در این خصوص می فرماید: «به یقین بدانید! خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست، سختکوش و با طرح و برنامه نیرومند باشد بیش از آنچه در علم خداوند برای او رقم زده حایلی نخواهد گذاشت؛ هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار

گیرد از همه مردم آسوده تر است و سود بیشتری خواهد برد و آن که آن را واگذارد و در آن شک کند از همه مردم گرفتارتر و زیانکارتر است» (حکمت ۲۷۳، ص ۴۹۷).

در تأکید بر نفع رضایتمندی به رضای خدا امام علی علیه السلام در جای دیگری فرموده‌اند: «رضا و خشنود بودن به قضا، نیکو همنشینی است» (حکمت ۵، ص ۴۴۵) و خود نیز همین روش را برگزیده‌اند؛ آنجا که در این زمینه فرموده‌اند: «در برابر خواسته های خدا راضی و تسلیم فرمانهای اویم» (خطبه ۳۷، ص ۶۳، پ ۳).

۱ - ۷ - توصیه به استمداد از خداوند: حضرت بارها در انجام دادن کارها از خداوند متعال استعانت می فرمودند و این کار را در پیش مردم و به منظور فرهنگ سازی برای دعا نزد مردم انجام می دادند در سخنانشان نیز به این مهم اشاره فرموده اند؛ از جمله:

«ایمانتان را با صدقه، سیاست و حفظ نمایید؛ داریهاتان را با زکات دادن در پناه آورید و گرفتاریهای پی در پی را با دعا و درخواست دور نمایید» (حکمت ۱۴۵، ص ۴۷۱).

۱ - ۸ - گذر از دنیا برای آخرت: امام علی علیه السلام در موارد متعدد به نکوهش دنیاطلبی و دنیادوستی پرداخته و دنیا را پلی برای رسیدن به آخرت معرفی کرده اند. ایشان ضمن هشدار به مردم و کارگزاران در موارد متعدد دنیا را فریب کار معرفی، و آحاد مردم را به عدم دل بستن به دنیا تشویق می کنند؛ از جمله در این خصوص می فرمایند: «مردم از دنیای حرام بپرهیزید که حيله گر و فریبنده و نیرنگ باز است؛ بخشنده ای بازپس گیرنده و پوشنده ای برهنه کننده است. آسایش دنیا بی دوام و سختی هایش بی پایان و بلاهایش دائمی است» (خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳، پ ۲).

در جای دیگر می فرماید: «داستان دنیا چون داستان مار است که دست بر آن بکشی، نرم، و در اندرونش زهر کشنده است. فریب خورده نادان به طرف آن می رود و خردمند پایان بین از آن دوری می گزیند» (حکمت ۱۱۹، ص ۴۶۵) و در همین باره امام علی علیه السلام فرموده اند: «ای مردم، دنیا سرای زودگذر و آخرت خانه جاوید است؛ پس از گذرگاه خویش برای سرمترول جاودانه، توشه برگیرید و پرده های خود را نزد کسی که بر اسرار شما آگاه است پاره نکنید» (خطبه ۲۰۳، ص ۳۰۳، پ ۲).

آن حضرت دنیا را محلی برای رسیدن به آخرت معرفی؛ و در این باره می فرمایند: «بر شما باد به تلاش و کوشش، آماده شدن و جمع آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی دنیا. دنیا شما را مغرور نسازد و...» (خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳، پ ۳).

۱ - ۹ - تأکید بر جایگاه دین در همه کارها: اگر دین محور گذران کارها قرار بگیرد و تدبیر زندگانی به وسیله آن انجام شود، انسان به سعادت خواهد رسید؛ آن گاه است که همه رفتار انسان با ترازوی دین ارزشیابی خواهد شد. هر عملی که مطابق با آموزه های دینی باشد، توجیه پذیر است و در غیر این صورت باید از آن چشم پوشید. امام علی علیه السلام در مورد حفظ دین و محور قرار دادن آن در کارها می فرماید: «ای بندگان خدا! آن کس که خیرخواهی او نسبت به خود بیشتر است در برابر خدا از همه کس فرمانبردارتر است و آن کس که خویشتن را بیشتر می فریبد، نزد خدا گناهکارترین انسانها است. زیانکار واقعی کسی است که خود را بفریبد و آن کس مورد غبطه است و بر او رشک می برند که دین او سالم است» (خطبه ۱۰۶، ص ۱۰۳، پ ۳).

آن حضرت درباره عمل خود در حکومت و دین محوری حکومتشان فرموده اند: «مگر من در میان شما براساس ثقل اکبر (قرآن) عمل نکردم و ثقل اصغر (عترت پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله) را در میان شما نگذاشتم؟ مگر من پرچم ایمان را بین شما استوار نساختم؟ از حدود و مرز حلال و حرام آگاهیتان ندادم؟ مگر پیراهن عافیت را با عدل خود به اندام شما نپوشاندم و نیکی ها را با اعمال و گفتار خود در میان شما رواج ندادم و ملکات اخلاق انسانی را به شما نشان ندادم؟» (خطبه ۸۷، ص ۱۰۵، پ ۴)

۱ - ۱۰ - پرهیز از به کار بردن فریب و نیرنگ در روابط با دیگران: تربیت شده در مکتب دین هرگز به فریب و نیرنگ در هیچ عملی متوسل نمی شود؛ چه اینکه فریب و نیرنگ از اساس در دین توجیه ناپذیر است. امام علی علیه السلام در نشان دادن الگویی عملی برای این مسئله در پاسخ به کسانی که معاویه را شخصی سیاستمدار معرفی می کردند، می فرماید: «سوگند به خدا! معاویه از من سیاستمدارتر نیست. اما معاویه حيله گر و جنایتکار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود من زیرکترین افراد بودم. ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است» (خطبه ۲۰۰، ص ۳۰۱، پ ۳). در همین راستا امام علیه السلام در نامه به مالک اشتر نوشته اند: «هرگز پیمان شکن مباش و در عهد خود خیانت مکن و دشمن را فریب مده؛ زیرا کسی جز نادان بدکار، برخدا گستاخی روا نمی دارد» (نامه ۵۳، ص ۴۱۹، پ ۲).

در همین زمینه امام پس از جنگ صفین سخنانی فرموده اند که گویی به زمان ما و عاداتی اشاره دارد که در جوامع بشری رایج است. ایشان می فرمایند: «امروز در محیط و زمانه ای زندگی می کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر

می خوانند. چگونه فکر می کنند؟ خدا بکشد آنها را! چه بسا شخصی تمام پیشامدهای آینده را می داند و راه های مکر و حيله را می شناسد، ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با اینکه قدرت اجرای آن را دارد آن را بروشنی رها می سازد؛ اما آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد از فرصتها برای نیرنگ بازی استفاده می کند» (خطبه ۴۱، ص ۶۵، پ ۴).

۱ - ۱۱ - توجیه ناپذیری رسیدن به هدف با هر وسیله: امام علی علیه السلام رسیدن به هدف با هر وسیله ای را مجاز نمی داند گرچه هدف مقدس باشد. این نکته را می توان در سیره ایشان در جنگ صفین مشاهده کرد. هنگامی که لشکریان آن حضرت به آب رودخانه مسلط شدند، عده ای از لشکریان ایشان خواستار بستن آب روی معاویه و لشکریان وی شدند که امام علیه السلام این امر را به این دلیل که از حدود الهی بیرون است، نپذیرفتند هر چند با این وسیله می توانستند معاویه را تحت فشار گذارند و یا حتی او را به تسلیم وادار سازند. ایشان در همین زمینه در نامه ای به کارگزاران بیت المال نوشته اند: برای گرفتن مالیات از مردم، لباسهای تابستانی و زمستانی و مرکب سواری و برده کاری (آنان) را بفروشید و برای گرفتن درهمی کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی که «نمازگزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است، دست اندازی نکنید (نامه ۵۱، ص ۴۰۱، پ ۴). این سخنان و نظایر آن که در سیره امام علیه السلام به فراوانی هست، نشان از یک اصل اساسی در اسلام دارد و آن اینکه در اسلام و در مکتب امام علی علیه السلام، هدف وسیله را توجیه نمی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱ - محور تحکیم ایمان و عقیده، عوامل و مصداقهای آن

محور	عوامل	مصداقها/زمینه ها
تحکیم ایمان و عقیده	ایجاد باور توحیدی	خطبه ۸۷ ص ۱۰۳، پ ۶
	اعتقاد به رستاخیز	خطبه ۱۰۹، ص ۱۴۷، پ ۲ و خطبه ۱۱۳، ص ۱۵۳، پ ۲
	جایگزینی ارزشهای الهی به جای ارزشهای غیرالهی	خطبه ۱۳۰، ص ۱۷۵، پ ۳
	اقدام به عمل برای خدا	نامه ۴۵، ص ۳۹۷، پ ۴ و حکمت ۱۷۴، ص ۴۷۵ و نامه ۳۱، ص ۳۷۱، پ ۵
	توکل بر خدا	خطبه ۹۰، ص ۱۰۹، پ ۳
	رضایتمندی به رضایت خدا	حکمت ۲۷۳، ص ۴۹۷ و حکمت ۵، ص ۴۴۵ و خطبه ۳۷، ص ۶۳، پ ۳
	توصیه به استمداد از خداوند	حکمت ۱۴۵، ص ۴۷۱
	گذر از دنیا برای آخرت	خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳، پ ۲ حکمت ۱۱۹، ص ۴۶۵ خطبه ۲۰۳، ص ۳۰۳، پ ۲ خطبه ۲۳۰، ص ۳۳۳، پ ۳
	تأکید بر جایگاه دین در همه کارها	خطبه ۱۰۶، ص ۱۰۳، پ ۳ خطبه ۸۷، ص ۱۰۵، پ ۴
	پرهیز از به کار بردن فریب و نیرنگ در روابط با دیگران	خطبه ۲۰۰، ص ۳۰۱، پ ۳ نامه ۵۳، ص ۴۱۹، پ ۲ خطبه ۴۱، ص ۶۵، پ ۴
	توجه ناپذیری رسیدن به هدف با هر وسیله	نامه ۵۱، ص ۴۰۱، پ ۴

۲ - ترویج اخلاقیات در جامعه

منظور ما از متخلّق شدن به اخلاق، ایجاد شناخت و برانگیخته شدن احساس برای تضعیف و انهدام صفات منفی و مراقبت و پرورش هماهنگ صفات مثبت است تا این صفات ملکه انسان شود. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «خدا رحمت کند کسی را که چون سخنان حکیمانه بشنود، خوب فرا گیرد و چون هدایت شود بپذیرد؛ دست به دامن هدایت کننده زند و نجات یابد؛ مراقب خویش در برابر پروردگار باشد؛ از گناهان خود بترسد؛ خالصانه گام بردارد؛ عمل نیکو انجام دهد؛ ذخیره ای برای آخرت فراهم آورد و از گناه بپرهیزد؛ همواره اغراض دنیایی را از سر دور کند و درجات آخرت به دست آورد؛ با خواسته های دل مبارزه کند؛ آرزوهای دروغین را طرد کند و استقامت را مرکب نجات خود قرار دهد و تقوا را زاد و توشه روز مردن گرداند؛ در راه روشن هدایت قدم بگذارد و از راه روشن هدایت فاصله نگیرد؛ چند روز زندگی دنیا را غنیمت شمارد و پیش از آنکه مرگ او فرا رسد خود را آماده سازد و از اعمال نیکو توشه آخرت برگیرد (خطبه ۷۶، ص ۸۹).

در این محور از تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام یازده عامل به همراه مصداق آنها ذکر شده است. این عوامل در اینجا تشریح، و مصداق عینی آنها در نهج البلاغه در جدول ذکر شده است.

۱ - ۲ - توصیه به جهاد با نفس: جهاد با نفس، که پیامبر عظیم الشان اسلام از آن به عنوان جهاد اکبر نام برده اند، کلید متخلّق شدن به اخلاق است. امام علی علیه السلام در مورد پیروی از هوای نفس به معاویه می فرماید: «پیروی از هوای نفس، تو را به بدیها کشانده، و در پرتو گمراهی قرار داده است و تو را در هلاک انداخته و راه های نجات را بر روی تو بسته است (نامه ۳۰، ص ۳۶۹، پ ۳).

۲ - ۲ - تأکید بر اجرای فرایض دینی: ادای واجبات از مهمترین وظایف هر مسلمان است که امام علیه السلام در بستر شهادت نیز آن را به امام حسن و امام حسین علیهم السلام توصیه می فرماید: «خدا را درباره نماز؛ چرا که ستون دین شماست. خدا را درباره خانه خدا؛ تا هستید آن را خالی مگذارید؛ زیرا اگر کعبه، خلوت شود، مهلت داده نمی شوید. خدا را درباره جهاد با اموال و جانها و زبانهای خویش در راه خدا، بر شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش همدیگر؛ مبادا از هم روی گردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که

بدها بر شما مسلط می گردند آن گاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد (نامه ۴۷، ص ۳۹۹، پ ۲).
۲ - ۳ - پرهیز دادن از خودپسندی: خودپسندی آن قدر مذموم است که امام علیه السلام درباره آن می فرماید: «سینه و بدی که تو را اندوهگین سازد، نزد خدا بهتر است از آن حسنه و خوبی که تو را به خودبینی و خودپسندی و سرافرازی وا دارد» (حکمت ۴۶، ص ۴۵۳).

۲ - ۴ - تأکید بر پرهیز از ستم: ستم نیز یکی از صفات زشت اخلاقی است. امام علیه السلام در این خصوص به مالک اشتر می فرماید: «کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد، خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را نپذیرد تا آن گاه که برگردد یا توبه کند و چیزی چون ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی کند و کیفر او را نزدیک نمی سازد که خدا دعای ستمدیدگان را می شنود و در کمین ستمکاران است (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۲). امام علیه السلام همین مضمون را در جای دیگر چنین بیان کرده است: «بدترین توشه برای روز قیامت، ستم بر بندگان است» (حکمت ۲۲۱، ص ۴۸۳).

۲ - ۵ - نهی از دروغگویی: یکی از بدترین صفات مردم در قاموس امام، دروغگویی است. امام علی علیه السلام در نامه به معاویه در این خصوص به او هشدار می دهد که: «همانا ستمگری و دروغ پردازی، انسان را در دین و دنیا رسوا می سازد و عیب او را نزد عیب جوین آشکار می سازد (نامه ۴۸، ص ۳۹۹، پ ۴). در مقابل، امام درباره خود می فرماید: «هرگز دروغ نگفتم و ...» (حکمت ۱۸۵، ص ۴۷۷).

۲ - ۶ - توصیه به صبر و تحمل: از زیباترین صفات پسندیده اخلاقی، که امام علیه السلام نیز بدان عنایت ویژه داشته اند، صبر و تحمل و شکیبایی در راه حق است. ایشان در این خصوص در وصیت نامه خود به امام حسن علیه السلام می فرمایند: «برای حق در مشکلات و سختی ها شنا کن؛ شناخت خود را در دین به کمال رسان؛ خود را برای استقامت در برابر مشکلات عادت ده که شکیبایی در راه حق پسندیده است» (نامه ۳۱، ص ۳۷۱، پ ۳).

۲ - ۷ - سفارش به پرهیز از لجاجت: لجاجت از زشت ترین صفاتی است که باعث ضایع شدن اندیشه و تدبیر است. امام علیه السلام در خصوص عدم لجاجت به مالک می فرماید: «پس در مشکلات از خدا یاری جوی و درشتخویی را با اندکی نرمی بیاموز. در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن و در جایی که جز با درشتی کار انجام نمی گیرد، درشتی کن» (نامه ۴۶، ص ۳۹۷، پ ۵).

۲ - ۸ - ترغیب به عدم کینه جوئی: مسلمان هرگز به جز برای خدا کینه به دل نمی گیرد و بخشایش را سرلوحه رفتار خود قرار می دهد. امام علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به ایشان می فرماید: «بر بخشش دیگران پشیمان مباش و از کیفر کردن شادی مکن و از خشمی که توانی از آن رها گردی، شتاب نداشته باش» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۱).

۲ - ۹ - دوری از افراد عیب جو و سخن چین: از صفات زشت و مذموم اخلاقی، عیب جوئی و سخن چینی است که نشان از کمی ایمان و مردگی دل دارد. امام علی علیه السلام ضمن تذکر به مردم و کارگزاران در دوری از این رذیله اخلاقی صریحاً در عهدنامه مالک اشتر به او می فرمایند: «از رعیت، آنان که عیب جوتر هستند از خود دوری کن» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۳).

۲ - ۱۰ - توصیه به وفای به عهد: وفای به عهد نشانه ایمان و پرهیزکاری شخص مسلمان و عدم پابندی به عهد، نشان از ستمکاری شخص دارد. امام علیه السلام در عهد نامه مالک در این خصوص به ایشان فرموده است: «در بستن پیمان، دست از بهانه جوئی بردار؛ مبادا مشکلات پیمانی که بر عهده ات قرار گرفته و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان شکنی وادارد؛ زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمانها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان شکنی است که از کیفر آن می ترسی و در دنیا و آخرت نمی توانی پاسخگوی پیمان شکنی باشی (همان، ص ۴۱۹، پ ۳).

در همین باره امام فرموده اند: «ای مردم وفا، همراه راستی است که سپری محکمتر و نگهدارنده تر از آن سراغ ندارم» (خطبه ۴۱، ص ۶۵، پ ۴).

۲ - ۱۱ - تأکید به رازداری: رازداری از جمله صفات حسنه اخلاقی است که بویژه باید در کارگزاران باشد و امام علی علیه السلام در این خصوص در عهدنامه مالک اشتر به ایشان فرموده است: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت اسلامی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است؛ پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویدا است بیوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان است؛ پس چندان که می توانی زشتی ها را بیوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا برای تو بیوشاند» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۲).

جدول ۲ - ترویج اخلاقیات در جامعه، عوامل و مصداقهای آن.

مصدرها/زمینه ها	عوامل	محور
نامه ۳۰، ص ۳۶۹، پ ۳	توصیه به جهاد با نفس	ترویج اخلاقیات در جامعه
نامه ۴۷، ص ۳۹۹، پ ۲	تأکید بر انجام دادن فرایض دینی	
حکمت ۴۶، ص ۴۵۳	پرهیز دادن از خودپسندی	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۲ حکمت ۲۲۱، ص ۴۸۳	تأکید بر پرهیز از ستم	
نامه ۴۸، ص ۳۹۹، پ ۴ حکمت ۱۸۵، ص ۴۷۷	نهی از دروغگویی	
نامه ۳۱، ص ۳۷۱، پ ۳	توصیه به صبر و تحمل	
نامه ۴۶، ص ۳۹۷، پ ۵	پرهیز از لجاجت	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۱	ترغیب به عدم کینه جویی	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۳	دوری از افراد عیب جو و سخن چین	
نامه ۵۳، ص ۴۱۹، پ ۳ خطبه ۴۱، ص ۶۵، پ ۴	توصیه به وفای به عهد	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۲	تأکید به رازداری	

۳ - عدالت

از دیدگاه امام علی علیه السلام اداره بهتر اجتماع و توسعه امنیت و رفاه عموم مردمان، مرهون تحقق عدالت و گسترش دادرزی در جامعه است؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است (خطبه ۱۵، ص ۳۹، پ ۳). حضرت علی علیه السلام مهمترین اهداف تشکیل حکومت را برقراری عدالت در جامعه شمرده و در عمل نیز تمام توجه خود را معطوف گسترش عدالت اجتماعی نموده است.

در این محور از تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام پنج عامل به همراه مصداق آنها ذکر شده است. این عوامل در اینجا تشریح، و مصداق عینی آنها در نهج البلاغه نیز در جدول شماره ۳ ذکر شده است:

۳ - ۱ - قانونمندی: اینکه جامعه باید دارای حاکم و مجموعه ای از قواعد و قوانین باشد تا

بتواند به حیات خود ادامه دهد از بدیهیات عقلی است که همگان به آن اذعان دارند اما اینکه حاکم چه کسی می تواند باشد و مجموعه قوانینی که براساس آن جامعه اداره می شود چه باشد و از کجا نشأت بگیرد، محل بحث و بررسی است. امام علیه السلام در باب وجوب وجود حاکمی که در سایه او باید نظام اجتماعی شکل گیرد و سامان یابد، می فرماید: «مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت او به کار مشغول، و کافران هم بهره مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می گردد و به کمک آن با دشمنان می توان مبارزه کرد.

امام علیه السلام با این بیان صریح، تنها قانونی را که می تواند جامعه را در کمال عدل اداره کند، قانون شرع برمی شمارد و خواستار حاکمیت آن در اداره جامعه است و خود راجع به قانونگرایی خویش می فرماید: «چون کار حکومت به من رسید به کتاب خدا و آنچه برای ما مقرر نموده و ما را به آن حکم کرده، نگرستم و از آن پیروی کردم و به سستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهاده است، رفتم» (خطبه ۲۰۵، ص ۳۰۵).

۳ - ۲ - برابری مدنی برای همه آحاد جامعه: از مهمترین تأکیدات امام علی علیه السلام به کارگزارانشان رعایت مساوات بین مردم است. ایشان در این زمینه فرموده اند: «آیا به من دستور می دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می کنند هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود به گونه ای مساوی در میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد که جزء اموال خداست. آگاه باشید بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند زیاده روی و اسراف است» (خطبه ۱۲۶، ص ۱۶۹، پ ۲).

۳ - ۳ - تأکید بر برخورداری همه آحاد از امکانات دولتی: برخورداری از مواهب دولت اسلامی برای همه کسانی که در زیر لوای حکومت اسلامی قرار دارند حق مسلم است و این حقوق برای مسلمان و یا غیرمسلمانی که در پناه دولت اسلامی زندگی کند، تفاوت ندارد. سیره عملی امام علی علیه السلام مؤید این نکته است. در این مورد نقل است که هنگام تقسیم بیت المال حتی برادر آن حضرت، عقیل، نسبت به مساوات اعتراض می کند و می گوید تو مرا و یک سیاه پوست در مدینه را مساوی قرار می دهی. امام علیه السلام در پاسخ وی می فرماید: برای تو فضلی نیست مگر به سابقه در دین و تقوا (وسایل الشیعه، ج ۱۱: ۸۰) یا در مورد دیگر: دو زن آمدند که یکی عرب و

دیگری غیر عرب بود، آن حضرت سهم مساوی به آنها داد. زن عرب اعتراض کرد و گفت: من عرب و آن دیگری عجم است. امام علی علیه السلام فرمود: در این فقره، فرزندان اسماعیل نسبت به اسحاق برتری ندارند (عرب بر عجم برتری ندارد) (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۱).

۳ - ۴ - نهی رانت خواری: امتیازدهی از جمله آفتی است که در دستگاه حاکم و یا افراد ذی نفوذ در جامعه می تواند مقدمه انحطاط جامعه را فراهم سازد؛ لذاست که کارگزاران و مردم را باید از این صفت زشت بر حذر داشت. امام علی علیه السلام در این باره به مالک اشتر می فرماید: «مبادا چیزی را به خود مخصوص داری که بهره همه مردم در آن است» (نامه ۵۳، پیشین).

۳ - ۵ - شایسته سالاری: همان طور که امتیازخواهی صاحبان نفوذ باعث بی بند و باری اقتصادی جامعه و برهم خوردن نظم و عدالت در آن است، امتیازدهی به ناحق حاکم و زمامدار نیز می تواند باعث بروز همین وضعیت در جامعه شود؛ لذاست که امام علی علیه السلام در این مورد به کارگزاران اخطار می کند و آنها را از این عمل بر حذر می دارد. امام علی علیه السلام در همین باره به مالک اشتر می فرماید: «همانا زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین واگذار مکن و به گونه ای با آنان رفتار نما که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند؛ مانند آبیاری مزارع یا زراعت مشترک، که هزینه های آن را بر دیگران تحمیل کنند؛ در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند» (نامه ۵۳، ص ۴۱۷، پ ۲).

جدول ۳ - عدالت، عوامل و مصداقهای آن

مصدرها/زمینه ها	عوامل	محور
خطبه ۹۸، ص ۱۲۹، پ ۳ خطبه ۲۰۵، ص ۳۰۵	قانونمندی	عدالت
خطبه ۱۲۶، ص ۱۶۹، پ ۲	برابری مدنی برای همه آحاد جامعه	
وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۸۰	تأکید بر برخورداری همه آحاد از امکانات دولتی	
نامه ۵۳، ص ۴۱۹، پ ۳	نهی رانت خواری	
نامه ۵۳، ص ۴۱۷، پ ۲	شایسته سالاری	

۴ - حقوق شهروندی

شهروند فردی است متعلق به گروه که در مقابل این گروه دارای وظایفی است و حقوقی به او تعلق می‌گیرد. شهروند دارای حقوق مدنی است؛ بدین معنی که از آزادی‌هایی که در قانون به او داده شده است، بهره‌مند است؛ دارای حقوقی است. این حقوق به او اجازه دخالت در جامعه و شهر و ملتی را می‌دهد که به آن تعلق دارد؛ دارای حقوق اجتماعی است که به زندگی او در جامعه مربوط می‌شود. هر شهروندی باید بتواند از حقوق خود بهره‌برد و وسایل مادی زندگی خود را فراهم کند.

در این محور از تربیت مدنی از دیدگاه امام علی علیه السلام نه عامل به همراه مصداق آنها ذکر شده است. این عوامل در ابتدا تشریح می‌شود و مصداق عینی آنها در نهج البلاغه نیز در جدول مربوط در ادامه می‌آید:

۴ - ۱ - تذکر به حفظ شأن و جایگاه انسانی: شأن انسان جایگاه ویژه‌ای در میان سایر مخلوقات خداوند متعال دارد و هیچ‌کس حتی خود انسان نباید سبب نزول این جایگاه شود؛ از این روست که امام علیه السلام در خصوص حفظ جایگاه انسانی می‌فرماید: «هر که به‌جا آورد حق کسی را که او حقیقتاً به‌جا نمی‌آورد او را بندگان نموده است» (حکمت ۱۶۴، ص ۴۷۵).

۴ - ۲ - تذکر در عمل به وعده: عمل به وعده از نشانه‌های کارگزار مؤمن به خدا و نگهدارنده حرمت و عزت مردم است. امام علیه السلام در هشدار به مالک درباره خلف وعده می‌فرماید: «مبادا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری یا مردم را وعده‌ای داده سپس خلف وعده نمایی!... خلاف عمل کردن خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزد که خدای بزرگ فرمود دشمنی بزرگ نسبت به خدا آن است که بگویند و عمل نکنند» (نامه ۵۳، ص ۴۱۹).

۴ - ۳ - تأکید بر حقوق متقابل مردم و حاکمان: در نظام حکومتی اسلام، مردم و حاکم نسبت به یکدیگر حقوق متقابل دارند و چنین نیست که حاکم فقط حکومت کند و مردم فقط اطاعت. اگر این نکته بخوبی برای زمامدار و مردم تبیین شود، قدرت حاکمان به خودی خود تحت ضابطه قرار می‌گیرد و نیازی به اعمال مسائل جانبی برای این کار نخواهد بود.

امام علی علیه السلام در این مورد خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت

کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید و اما حق من بر شما این است که به بیعت من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید. هرگاه شما را خواندم اجابت کنید و فرمان دادم اطاعت نمایید (خطبه ۳۴، ص ۶۱، پ ۲).

۴ - ۴ - مشارکت مردم در تعیین سرنوشت: مردم و بویژه دانشمندان باید در تصمیم گیریها و سیاستگذاریها مشارکت کنند. وجود مجالس مشاوره، قانونگذاری و انتخابات، نمودهایی از دخالت مردم در سرنوشت کشورشان است. امام علی علیه السلام در خصوص رعایت این حقوق مردم به مالک اشتر می فرماید: «ای مالک! مبدا بگویی که به من فرمان داده اند و من اکنون فرمان می دهم و باید از من پیروی شود؛ زیرا اگر چنین بگویی چنین چیزی باعث تباهی شخصیت در دین و زوال حکومت است. امام علی علیه السلام در مورد سهیم شدن مردم در سرنوشت خودشان می فرماید: «هرکس که تنها به رأی خود اتکا کند نابود است و هرکس که دیگران را به رایزنی بخواند در عقل ایشان سهیم شده است (حکمت ۱۶۱، ص ۴۷۵).

۴ - ۵ - تأکید بر حق اعمال نظارت: اعمال نظارت در هر کاری باعث می شود که انجام دهنده آن خود را همواره در حال مراقبت ببیند و نهایت سعی و دقت را در درست انجام دادن آن کار از خود نشان دهد.

امام علی علیه السلام در اعمال نظارت بسیار مصر بود و خود این کار را به نحو بسیار مطلوب و به شکل عادلانه انجام می دادند. در این رابطه امام در خصوص کارگزاران و عمال حکومت به مالک اشتر می فرماید: «اعمال آنها را زیر نظر بگیر و ناظرانی از افراد صادق و وفادار بر آنها بگمار؛ زیرا مراقبت پنهانی از اعمالشان آنها را وادار به رعایت امانت و مدارا با مردم می کند» (حکمت ۱۶۱، ص ۴۱۱، پ ۷).

۴ - ۶ - حق برخورداری از احترام و محبت: برخورد محبت آمیز با مردم و احترام به آنها باعث نزدیکی حاکم و مردم بر یکدیگر می شود؛ به همین دلیل امام علی علیه السلام در این خصوص به مالک اشتر توصیه فرموده اند که: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش» (نامه ۵۳، ص ۴۰۳، پ ۴).

در ادامه همین نامه، امام علی علیه السلام تأکید می کنند که: «در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باش که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می برد اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر کند» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۳).

۴ - ۷ - تأکید بر مسئولیت حاکمان در برابر مردم

امام علی علیه السلام به کارگزارانش دستور می دهد که در صورت اشتباه باید به جبران مافات پردازند و از این بابت غرور به خرج ندهند و تاوان عمل خود را پس دهند در همین زمینه ایشان به مالک اشتر فرموده است: «اگر به خطا خون کسی ریختی یا تازیانه یا شمشیر یا دست دچار تدروی شد مبادا غرور قدرت، تو را از پرداخت خونبها به بازماندگان مقتول باز دارد.

۴ - ۸ - تأکید بر حفظ اسرار مردم: حفظ اسرار مردم باعث اعتماد مردم به کارگزاران و حکومت می شود؛ از این رو کارگزاران باید در حفظ اسرار مردم کوشا باشند. امام علی علیه السلام در این مورد به مالک می فرماید: «مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر است» (نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۳).

۴ - ۹ - توصیه به حضور رهبران در میان مردم: با حضور رهبران در میان مردم از یک سو رهبران از مشکلات مردم و نوع زندگانی و نیاز آنها آگاه می شوند و از سوی دیگر مردم احساس می کنند که حکومت از آن خودشان است و بین آنها و حکومت مانع و رادعی وجود ندارد. امام علیه السلام در این مورد به مالک اشتر می فرماید: «هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران نمونه ای از تنگ خوئی و کم اطلاعی در امور جامعه است. نماندن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می دارد» (نامه ۵۳، ص ۴۱۷، پ ۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴ - عدالت، عوامل و مصدقهای آن.

مصدرها / زمینه ها	عوامل	محور
حکمت ۱۶۴، ص ۴۷۵	تذکر به حفظ شأن و جایگاه انسانی	حقوق شهروندی
نامه ۵۳، ص ۴۱۹	تذکر در عمل به وعده	
خطبه ۳۴، ص ۶۱، پ ۲	تأکید بر حقوق متقابل مردم و حاکمان	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۱ حکمت ۱۶۱، ص ۴۷۵	مشارکت مردم در تعیین سرنوشت	
همان، ص ۴۱۱، پ ۷	تأکید بر حق اعمال نظارت	
نامه ۵۳، ص ۴۰۳، پ ۴ همان، ص ۴۰۵، پ ۳	حق برخورداری از احترام و محبت	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۲	تأکید بر مسئولیت حاکمان در برابر مردم	
نامه ۵۳، ص ۴۰۵، پ ۱	تأکید بر حفظ اسرار مردم	
نامه ۵۳، ص ۴۱۷، پ ۲	توصیه به حضور رهبران در میان مردم	

بحث و نتیجه گیری

غایت تربیت در اسلام، پرورش عبد صالح برای قرب الهی است و طبعاً هدف غایی تربیت مدنی هم همان مقصد نهایی تربیت اسلامی یعنی قرب الهی و رسیدن به کمال است.

اگرچه محورها و عوامل تربیت مدنی که در این پژوهش به آنها اشاره شد در عصر امام علی علیه السلام و در موقعیت آن روز جامعه اسلامی مطرح شده اما به دلیل جامعیت و اصالت آنها و اینکه در وحی ریشه دارد در همه دورانها بویژه در کشور ما می تواند بسیار مورد استفاده قرار گیرد. مسئولان و مربیان تربیتی دستگاه های آموزشی و تربیتی جامعه می توانند با الگو قرار دادن محورهای تربیتی امام علی علیه السلام به عنوان برترین مبنای هدایت بشر، نقش کلیدی خود را در تربیت اقشار مختلف جامعه به نحو احسن ایفا کنند.

علاوه بر مؤسسات آموزشی برخی رسانه های ارتباط جمعی چون صدا و سیما، نشریات، سینما، تئاتر و تهیه کنندگان انواع برنامه های آموزشی، کمک آموزشی و سرگرمی حاضر در جامعه نیز لازم است با بهره گیری از محورها و عوامل یادشده در قالب های نمونه هایی از زندگی نوین بشر

امروزی به ترویج تربیت دینی و رشد و تعالی رفتارهای مطلوب از نص سیره امام علی علیه السلام همت گمارند.

از مجموع مباحث این پژوهش می توان نتیجه گرفت که دستگاه آموزش و پرورش، که متولی تعلیم و تربیت در جامعه است برای عملیاتی شدن این عوامل و رسیدن به جامعه مطلوب و اسلامی باید برنامه ریزان حوزه ستادی و سازمان کتابهای درسی و افرادی که نقش اساسی در نوشتن کتابهای درسی دارند، تلاش کنند تا درسی را در دوره دبیرستان (دوره اول و دوم) در تمام رشته ها بگنجانند تا دانش آموزان عوامل تربیت مدنی را عملاً بیاموزند.

منابع فارسی

قرآن کریم.

نهج البلاغه. دشتی، محمد (۱۳۸۳). قم: انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.

باقری، خسرو (۱۳۷۹). امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران. مجله روانشناسی و علوم تربیتی. س پنجم، ش اول.

حر عاملی، محمد ابن الحسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت (ع).

خلیلی اردکانی، محمدعلی (۱۳۷۱). توصیف ساختار فرهنگی - اجتماعی مدینه النبی. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

ذکاوتی قراگزلو، علی (۱۳۷۸). نقش تعلیم و تربیت نسل جدید در تحقق جامعه مدنی. فرهنگ عمومی. ش ۱۶ و

۱۷.

سجادی، سید مهدی (۱۳۷۸). نقش آموزشی در بهبود روند توسعه سیاسی (تحقق آزادی). همایش آزادی و

تحقق آن. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امرکبیر.

علیین، حمید (۱۳۸۵). تربیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع). پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شاهد.

مرزوقی، رحمت الله (۱۳۷۹). تربیت سیاسی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری

برنامه ریزی درسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مهر محمدی، محمود (۱۳۷۷). آموزش و پرورش و جامعه مدنی. مجله پژوهش های تربیتی، ج ششم، ش ۳ و ۴.

منابع انگلیسی

Allen, Rondy F. (2000). Civic education and the decision making process. **The social studies**. Washington.

